

اختلاف یک جنسیتی مراکز آموزشی از دیدگاه فقه تربیت

سید عنایت‌الله کاظمی^۱

مهدی عزیزی^۲

چکیده

تفکیک جنسیتی دانش پژوهان در محیط آموزشی از جمله مسائل مهم نهادهای آموزشی در دنیا است که موافقان و مخالفان دارد. موافقان تفکیک، پالایش محیط آموزشی از محرکات جنسی و ارتقاء یادگیری را از ثمرات آن برمی‌شمارند و مخالفان، نادیده انگاشتن شأن انسانی زنان و تنزل هزینه‌های آموزشی را از مهم‌ترین عوارض تفکیک جنسیتی بیان می‌کنند. نوشتار حاضر با هدف ارزیابی دیدگاه طرفین و رسیدن به حکم مسئله تلاش دارد به روش اجتهادی به ارزیابی و تحلیل آیات و روایات مرتبط بپردازد حکم این موضوع را استنباط نماید. اینکه آیا حضور متریان در مراکز آموزشی به صورت منفک و جدای از هم یا مختلط باشد سؤال اصلی مقاله حاضر است. از مهمترین یافته‌های پژوهشی می‌توان به «عدم وجوب تفکیک محیط‌های اجتماعی، مشروط بر حفظ ضوابط شرعی، عدم حرمت مطلق محاورات کلامی با نامحرم، ناسازگاری حق آموزش و عدالت آموزشی با لزوم اختلاط جنسیتی در مراکز آموزشی» اشاره کرد. در نتیجه گیری نهایی باید گفت به‌عنوان اولی، تفکیک جنسیتی در محیط آموزشی با رعایت ضوابط شرعی منعی ندارد اما اگر اختلاط، مقدمه تولیدی معاصی دیگر شود؛ تفکیک به حد الزام می‌رسد.

واژگان **یدی:** حجاب، تبرج، محادثة النساء، عدالت آموزشی، مدارس تک جنسیتی، حق اشتغال.

۱. دکترای فقه تربیتی و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

۲. پژوهشگر فقه تربیت و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۰۴ * تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۰۵



مقدمه

مسأله اختلاط یا تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی علاوه بر جوامع اسلامی، کشورهای غربی را نیز درگیر کرده است. مراد از تفکیک جنسیتی، جداسازی فیزیکی و فاصله‌گذاری میان متربی مذکر و مؤنث در محیط آموزشی است. این مسئله در غرب به‌نوعی ریشه در اندیشه‌های لیبرالی دارد چراکه یکی از اصول تعلیم و تربیت فمینیست‌های لیبرال، اصل اختلاط زن و مرد است. از دیدگاه آنان بر اساس اصل تساوی زن و مرد، تعلیم و تربیت دختران و پسران باید به‌صورت مختلط انجام پذیرد؛ زیرا تفکیک میان آنها، افزون بر این‌که شائبه تفاوت را در ذهن‌ها ایجاد می‌کند؛ رابطه عمیق میان زنان و مردان را از بین می‌برد و دست‌کم مانع از ایجاد آن می‌شود.

اساساً در اندیشه لیبرالی، تعلیم و تربیت غیر مختلط، مانعی برای تعمیق روابط عاطفی میان زوجین در آینده می‌شود از این‌رو، آموزش و پرورش باید به شکل مختلط باشد. (میل، ۱۳۷۷، ص ۱۵۲) درحالی‌که مطابق مبانی اسلامی، کم و کیف ارتباطات دو جنس مخالف و سطوح و مراتب آن، مشروط و محدود است. هرچند امروزه عواملی چون «رواج دیدگاه‌های فمینیستی، تبلیغات گسترده رسانه‌ها به‌ویژه در فضای مجازی، فراهم نبودن امکان ازدواج و اشتغال و محرکات جنسی در سطح جامعه» موجب تقویت روابط مختلط در مراکز آموزش عالی شده است.

با این حال در خوش‌بینانه‌ترین توجیه برای اختلاط در برخی از مراکز آموزش عالی باید آن را به‌عنوان ضرورتی اجتماعی تلقی کرد که اوضاع و شرایط اجتماعی مانند کمبود اساتید و محیط‌های آموزشی آن را بر نظام اسلامی تحمیل کرده است اما در شرایط عادی، نظام غیر مختلط آموزشی، همچنان یک اولویت مهم دینی است که متصدیان نظام اسلامی باید آن را در ردیف اهداف بلندمدت خود قرار داده و برای دستیابی به آن زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی کنند. (بستان، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹) با توجه به آنچه بیان شد مسئله اصلی نوشتار حاضر این است که آیا آموزش و تربیت دختران و پسران در محیط آموزشی واحد به‌صورت مختلط باشد یا مدارس تک جنسیتی تأسیس گردد؟



مبانی نظری

دست کم دو دیدگاه کلی درباره اختلاط یا تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی قابل ارائه است. موافقان تفکیک جنسیتی که متأثر از مبانی اسلام هستند، عدم اختلاط میان دانشجویان دختر و پسر را یکی از عوامل تعدیل فضای فرهنگی - روانی و یکی از جنبه‌های مهم اسلامی شدن دانشگاه‌ها برمی‌شمارند. هم‌چنین برخی از آثار اخلاقی، تربیتی و آموزشی دیگر نیز بر تفکیک جنسیتی مترتب است که از اهم آن می‌توان به ارتقاء سطح یادگیری (انتظاری، ۱۳۹۷، ص ۲۴۳-۲۴۴) رفع سوءظن و ارتقاء سطح اعتماد اجتماعی و جلوگیری از انحرافات جنسی (هاشمی، ۱۳۷۰: ۱۹۴) اشاره نمود. در مقابل مخالفان تفکیک که غالباً متأثر از مکتب فمینیسم هستند، آن را مخالف حضور زن در اجتماع، نادیده انگاشتن شأن انسانی زنان و عامل کاهش میزان ازدواج در جامعه می‌دانند.

همچنین در بحث میزان و سطح ارتباط زن و مرد نامحرم در سطح جامعه نیز سه دیدگاه محتمل و قابل تصور است: بنا به یک نظر ارتباط زن و مرد نامحرم، باید حداقلی و در موارد ضرورت باشد. (حکیمی، ۱۹۸۳، ص ۴۴)

این دیدگاه بر تأیید خویش به برخی از روایات استناد می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۶۷) که در نقد آن باید گفت بر اساس دیدگاه اسلامی، اصل ارتباط و گفتگو درباره مسائل مختلف میان زن و مرد با رعایت موازین اسلامی جایز است (سیستانی، ۱۴۲۲، ص ۴۰۶- نووی، ۲۰۱۰، ج ۴، ص ۴۸۴) و حضور زن در جامعه ممنوع نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۷۲) مشروط به اینکه موازین شرعی رعایت شود؛ از این رو ممانعت از حضور زن در جامعه یا حداقلی دانستن آن، پذیرفته نیست.

دیدگاه دوم، به ارتباط حداکثری و آزاد میان زن و مرد در جامعه قائل است؛ چراکه بر اساس مقتضیات زمان و واقعیات موجود در عصر ارتباطات و اطلاعات، اختلاط زن و مرد طبیعی و تفکیک آن دو از هم تقریباً غیرممکن است. هم‌چنین بر اساس اصل «الإنسان حریص علی ما منع منه» (جزایری، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۶۷) ایجاد محدودیت در رابطه زن و مرد آن‌ها را به برقراری ارتباط، حریص‌تر می‌سازد. (نیک زاد، ۱۳۸۳، ص



۱۲۲) این دیدگاه نیز با مبانی دینی، اخلاقی و تجارب بشری همخوانی ندارد؛ دست کم تجربه غرب در اعطای آزادی مطلق به روابط میان زنان و مردان نشان دهنده آن است نه تنها حرص و طمع جنسی کم نشده بلکه بی بندوباری های اخلاقی و گسست بنیان خانوادگی روبه فزونی گذارده و به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است؛ بنابراین تمسک به اصل مزبور توجیه کننده دیدگاه دوم نیست. اساساً انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن منع و هم به سوی آن تحریک شود (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۴۶۰) و ارتباط حداکثری زن و مرد در جامعه، نوعی تحریک و تهییج به شمار می رود یا زمینه ساز و مقدمه تولیدیه آن است که به لحاظ شرعی، محکوم به حرمت است. قرار داشتن در عصر ارتباطات نیز نمی تواند توجیه گر ایده ارتباط حداکثری زن و مرد باشد؛ زیرا میان رعایت آداب و ارزش های انسانی و دینی با تزاید و تضاعف تعاملات در عصر ارتباطات، نسبتی وجود ندارد و نمی توان بر اساس آن اخلاق و ارزش ها را زیر پا گذاشت.

دیدگاه سوم و برگزیده اظهار می دارد ارتباط دو جنس مخالف در اجتماع لامحاله است اما در تعاملات اجتماعی باید جوهره و شخصیت انسان، منحاز از جنسیت مورد احترام قرار گیرد در این صورت، مرد باید به شخصیت و هویت زن احترام گذارد و زن نیز رفتاری عقیفانه و به دور از تهییج از خود بروز دهد؛ بنابراین دیدگاه اخیر، فارغ از افراط و تفریط، ارتباط معتدل و کنترل ده را پیشنهاد می دهد تا هم از حضور زن در اجتماع حمایت و هم موجبات صیانت از شخصیت و هویت وی را فراهم کرده باشد.

پیشینه

از آنجاکه رویکرد نوشتار حاضر به موضوع، فقهی است؛ پیشینه دینی بحث پی گرفته میشود. از این رو باید گفت مسئله حجاب و اختلاط محرم و نامحرم از عصر نبوی تاکنون همواره مورد توجه علما، فقها و دانشوران اسلامی بوده است. در مکتب اسلام هر چند حضور زنان در عرصه اجتماع جایز است و سیره بر حضور زنان در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی در صدر اسلام



گواهی می‌دهد (ابن سعد، ۱۹۳۰، ج ۸، ص ۲۲۲ و ۲۸۱؛ بلا ذری، ۱۳۹۸، ص ۳۱؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۰۴) اما این حضور مشروط به عدم اختلاط زنان و مردان است. اختلاط با نامحرم مصادیق متعددی دارد از تماس بدنی و مصافحه گرفته تا مرویات کلامی و چشمی را شامل می‌شود که در متون و منابع دینی، منع شده است. به‌طور نمونه می‌توان به اقدام پیامبر «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» اشاره نمود که به زنان، شرکت در مساجد و جماعات را اجازه اما دستور دادند که محل حضور و حتی ورودی زنان از ورودی مردان مجزا باشد. (ابن حزم، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۱) ضمن اینکه به زنان دستور دادند که از کنار کوچه و خیابان عبور کنند نه از وسط آن تا با نامحرم تلاقی نداشته باشند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۸) در روایات نیز از هرگونه ورود مرد بر زن نامحرم بدون اذن، منع شده است. (همان، ۵۲۸)

اختلاط در محیط‌های آموزشی و تفکیک جنسیتی در آراء فقهی نیز سابقه دارد که به‌اجمال بیان می‌شود: از دیدگاه فقهای امامیه، تأسیس مدارس مختلط در هر سطح آموزشی و فرستادن متریبان به این نوع از مدارس را جایز نمی‌دانند (بنی‌هاشمی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۸۷۳) به همین جهت حتی مسلمانانی که در خارج از بلاد اسلامی زندگی می‌کنند، اگر از فرستادن فرزندان خود به مدارس مختلط، خوف دارند آن‌ها به فساد و انحراف کشیده شود، جایز نیست فرزندان را به این‌گونه از مدارس بفرستند. (وحید خراسانی، ۱۳۹۴، ص ۹۱)

شاید اختلاط در مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی به دلیل عدم بلوغ و تمییز کودکان خردسال، وجهی داشته باشد اما والدین و مربیان باید متوجه باشند که اختلاط دو جنس مخالف وقتی نزدیک به سن بلوغ می‌رسند، دیگر جایز نیست (خویی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۳۱) و باید میان محیط‌های آموزشی آن‌ها تفکیک قائل شوند. با این حال در برخی از مناطق محروم به دلیل نبود امکانات آموزشی، به‌ناچار کلاس‌های آموزشی به‌صورت مختلط برگزار می‌شود؛ در این صورت به‌حسب ضرورت و با رعایت موازین شرعی هرچند شرکت در این کلاس مانعی ندارد اما متولیان امر هم‌زمان باید برای جداسازی این مدارس، تلاش کنند. (مکارم شیرازی،



۱۴۲۸، ص ۱۹۵) بنابراین در این حکم، ضرورت، مجوزی برای شرکت در کلاس‌های مختلط شد و حکم جواز، موقت بوده که برای رفع ضرورت صادر شده است. در سطح آموزش عالی و در اکثر دانشگاه‌های ایران بنا به دلایلی هنوز هم برخی از کلاس‌ها به صورت مختلط برگزار می‌شود و دانشجویان متدین و پایبند به موازین شرعی به ناچار باید در این گونه از کلاس‌ها شرکت کنند تا نسل مسلمان از علوم جدید محروم نماند و زمینه تسلط کفار بر مسلمین محقق نشود. با این فرض، فقها شرکت در این گونه از کلاس‌ها با رعایت موازین شرعی، صیانت از عقیده و ایمان خود و منحصر بودن تحصیل در کلاس‌های مزبور را جایز می‌شمارند. (خامنه‌ای، ۱۴۲۸، ص ۲۹۴) البته باید محل نشستن زنان از مردان باید جدا باشد یا میان آن‌ها حائلی وجود داشته باشد. (بهجت: ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۲۳۸)

بنابراین پیشینه فقهی حاکی از آن است که اصل بر تفکیک محیط آموزشی است و در موارد خوف ضرر عقیدتی و یا انحراف، حضور در محیط مختلط جایز نیست؛ اما در موارد ضرورت (نبود امکانات آموزشی، بهره‌مندی از علوم روز مورد نیاز جامعه و دفع تسلط کفار بر امورات جامعه اسلامی) برگزاری کلاس‌های مشروط به رعایت موازین شرعی، جایز است؛ اما اینکه آیا مطلق اختلاط یا اختلاط به نحو خاصی مرجوح یا حرام است نیازمند بررسی ادله است که در ادامه خواهد آمد.

مفهوم شناسی

از آنجاکه موضوع تفکیک جنسیتی در متون فقهی با موضوع «اختلاط» زن و مرد نامحرم ارتباط دارد؛ از این رو مفهوم شناسی اختلاط ضرورت پیدا می‌کند.

اختلاط

اختلاط در لغت معنای جمع میان اجزای دو یا چند شیء است، اعم از آن که جدایی میان آن دو ممکن باشد یا ممکن نباشد. اختلاط در صورتی صدق می‌کند که اجزای یک شیء با اجزای شیء دیگر ممزوج شده باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۱۸) از باب توسعه، به فردی که با دیگران بسیار ارتباط دارد، نیز به همسایه و شریک، خلیط اطلاق



می‌شود. (ابن فارس، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۰۹؛ فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۷). در لغت فارسی نیز اختلاط به معنای «صحبت و گفتگوی دوستانه، معاشرت، آمیختگی و هم‌خوابگی» آمده است. (انوری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۸۳) در فقه از عنوان اختلاط در مباحث و ابواب متعدد فقهی (محقق ثانی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۲۲ - شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۵۱) بحث شده اما معنای مطابق آن در فرع حاضر عبارت از معاشرت میان زنان با مردان نامحرم (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۴۸) به‌طور عام و خصوص معاشرت، نشست و برخاست و ارتباطات کلامی میان دختر و پسر در مراکز آموزشی است. در این نوع معاشرت فرقی ندارد که زن و مرد نامحرم، آشنا باشند یا غریبه، دونفری باشند یا در یک جمع؛ در محیط باز باشد یا بسته، به نشست و برخاست و محاورات کلامی میان نامحرمان، اختلاط صدق می‌کند.

تفکیک

تفکیک در لغت به معنای از هم باز کردن، گشودن و جداسازی است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۸۴) از همین ماده، «فَكُّ الرِّهْنِ وَ فَكُّ الرِّقْبَةِ» به معنای گشودن و آزاد کردن گرو در رهن و آزاد کردن برده آمده است. متفاهم از اصطلاح تفکیک جنسیتی، جداسازی افراد بر مبنای جنسیت آن‌هاست که بر اساس آموزه‌های اسلامی به‌منظور جلوگیری از اختلاط نامحرمان، صورت می‌گیرد. تفکیک جنسیتی عموماً در محیط‌های تفریحی، مکان‌های عمومی و محیط‌های آموزشی صورت می‌پذیرد؛ اما این به معنای حرمت مطلق ارتباط زن و مرد نامحرم با یکدیگر نیست و در متون دینی مواردی از جواز ارتباط و گفتگوی میان زن و مرد نامحرم وجود دارد. (سوره قصص، آیه ۲۳)

به‌تناسب بحث، مفهوم آموزش مختلط نیز نیاز تبیین دارد که از آن دو معنا برداشت می‌شود، گاهی مراد از آن حضور محصلین دختر و به پسر به‌صورت همگن در محیط کلاس و کنار یکدیگر است، نظیر اردوهای مختلطی که مع الاسف از سوی برخی مراکز آموزشی ترتیب داده می‌شود. گاهی مراد از آموزش مختلط، حضور برنامه‌ریزی‌شده با رعایت ضوابط و حفظ حریم‌ها همراه با تفکیک محل نشستن



دختران از پسران است که موضوع بحث در این فرع هردو برداشت است.

ادله موافقان یک جنسیتی

از آنجا که تفکیک جنسیتی با مبحث اختلاط زن و مرد در فقه ارتباط مستقیمی دارد؛ تلاش برای استنباط حکم فقهی اختلاط در مراکز آموزشی، به نوعی مدعای موافقان تفکیک جنسیتی را اثبات می‌کند که بر دیدگاه خویش به ادله نقلی اعم از آیات و روایات زیر تمسک می‌کنند:

الف. ادله قرآنی

ظاهر برخی از آیات، بر بحث تفکیک جنسیتی و پرهیز از اختلاط دو جنس مخالف در محیط‌های اجتماعی دلالت دارند که به برخی اشاره می‌شود.

۱. آیه حجاب: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ (احزاب، آیه ۵۳)

آیه اعلان می‌دارد هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را [به‌عنوان عاریت] از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواهید، از پشت پرده باشد که این کار برای پاکی دل‌های شما و آن‌ها بهتر است. کلمه حجاب هر چند در استعمالات روزمره به معنای پوشش زن به کار می‌رود، وی در لغت به معنای حائل میان دو شیء است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸۶/۳) بنابراین آیه به حائل شدن میان زن و مرد نامحرم در تعاملات روزمره امر می‌کند و بر اصل تفکیک و مانع شدن میان زن و مرد فرمان می‌دهد تا موجب اختلاط نشود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۳۲۹) آیه بر وجوب دلالت کند؛ اما مخاطب این وجوب، فقط زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است و حکم غیر زنان نبی با توجه به تعلیل ذکر شده (اطهر) استحباب است.

عبارت «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» به حکمت حکم (عدم وسوسه دل‌ها و پاکی قلوب) اشاره دارد و این حکمت حاکی از مطلوبیت عدم اختلاط زن و مرد نامحرم و رجحان تفکیک میان آن دو است؛ از این رو از آیه شریفه، رجحان تفکیک میان زنان و مردان در تعاملات اجتماعی به‌عنوان یک اصل قابل برداشت است که قلمرو آن همه



محیط‌ها و به‌ویژه مراکز آموزشی را نیز دربر می‌گیرد. (اعرافی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۶)

۲. آیه تبرج: ﴿بِإِنْسَاءِ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب، آیات ۳۲-۳۳)

در این آیه، عبارت «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» زنان را از ناز و کرشمه سخن گفتن نهی می‌کند؛ زیرا خضوع در کلام به معنای نرمی و لطافت در بیان و با ناز و کرشمه سخن گفتن است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۱۳) و غالباً تن صدای زن نسبت به مرد از نوعی نرمی برخوردار است. به عبارتی دیگر خضوع و کرشمه در سخن گفتن، مقدمه تولیدی حرام (استماع همراه با شوق و طمع) است و خود نیز حرمت پیدا می‌کند. به‌واقع آیه هم اقدامی که موجب طمع به دیگری شود و هم نفس استماع همراه با طمع را حرام اعلام می‌کند. البته نفس استماع، خصوصیتی ندارد بلکه آیه هر عاملی که همراه با طمع و علاقه درونی به نامحرم باشد را تحریم می‌کند.

طمع به معنای علاقه و دل‌بستگی به چیزی که حصول آن نزدیک و در دسترس است. به معنایی دیگر طمع یعنی امید قوی به حصول چیزی داشتن. (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۸) جمع این دو معنا نیز ممکن است از این رو طمع یعنی شوق مؤکد به حصول؛ بنابراین آیه از سخن گفتنی که موجب برانگیختن طمع و شوق ویژه‌ای برای برقراری یک مراوده و ارتباط جنسی در طرف می‌شود، منع می‌کند. مصداق اتم طمع مزبور، میل قوی در شهوت جنسی است که از مناسبات حکم و موضوع به دست می‌آید زیرا طمع در غیر شهوت هم به کار می‌رود.

متبادر از فراز (فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ) این است که یطمع علت حرمت خضوع در قول است؛ بنابراین هر آنچه موجب طمع مردان شود، حرام است. به عبارتی دیگر ظهور علت در حرمت حاکی از موضوعیت نداشتن «و لا تخضعن» است بلکه هر عمل اختیاری که از طرف زن صادر شود و موجب پیدایش طمع شهوانی در طرف مرد شود؛ محکوم به حرمت می‌شود؛ زیرا مفاد تعلیل این است:



«کَلَّمَا يُوَجِبُ الطَّمْعَ، حَرَامٌ» که اختصاص به خضوع ندارد و هر نوع رفتار، حرکات، نوع پوشش، انحاء و احوال دیگر محکوم به حرمت می‌شود.

گفتنی است هرچند ظاهر آیه خطاب به زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است اما حکم به آنان اختصاص نداشته و سایر زنان را دربر می‌گیرد؛ زیرا هم مناسبات حکم و موضوع، اقتضای عموم دارد و هم در آیه قرآنی بر عمومیت و تسری حکم به مطلق زنان وجود دارد.

ممکن است مناقشه شود که طمع دیگری امر غیر اختیاری فعل زن است و متصف به حرمت نمی‌شود که در پاسخ باید گفت طمع به میل و شوقی که در شخص ایجاد می‌شود، معنا شد که شمول آن امر اختیاری را می‌گیرد. اینکه طمع بر امر غیر اختیاری حمل شود و فقط شامل آن گردد؛ وجهی ندارد و خلاف ظاهر است. ظاهر آیه، مبعوضیت طمع است که قطعاً طمع اختیاری را شامل می‌شود و ظهورش تحریم است. به ویژه به قرینه «فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» که بر اختیاری بودن طمع دلالت دارد؛ چون مرض امری اختیاری است. مطابق این فراز، در مراکز آموزشی هرگونه رفتار صادره از سوی زن که موجب پیدایش طمع شهوانی در مرد شود؛ محکوم به حرمت می‌شود و اگر اختلاط میان زن و مرد مقدمه تولیدی آن باشد، آن نیز محکوم به حرمت خواهد بود.

واژه قرن به معنای پایرجا شدن یا به معنای اجتماع و کنایه از ثابت ماندن در خانه است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۱/۵) بنابراین مفاد عبارت «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» امر به استقرار و ماندن زن در خانه است که به سبک زندگی عفیفانه زن و پرهیز از اختلاط با مردها اشاره دارد.

همچنین فراز «وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» ظاهر شدن زنان در انظار عمومی را نهی می‌کند. تبرج از برج است، برج در لغت به مکان بلند و آشکار اطلاق می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۱۱) مراد از تبرج زنان، یا تبختر و خودنمایی در راه رفتن است یا بدان معنا است که زن روسری خود را بر سرش اندازد ولی آن را نبندد به گونه‌ای که گلوبند و گوشواره‌اش ظاهر گردد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۸) پس آیه از خودنمایی



و آشکارکردن زیورآلات - که همراه با کشف مواضعی از سر و گردن است - در منظر دیگران نهی می‌کند. مراد از «تبرج الجاهلیة» تکبر در راه رفتن یا آشکار کردن زینت‌ها برای مردان، همانند زنان جاهلی، است. (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۳۹). تبرج و خودنمایی، مستلزم خروج از خانه و اختلاط با محیط‌هایی است که نامحرم در آن حضور دارد؛ از این رو دلالت اقتضایی آیه، منع از اختلاط و دست‌کم رجحان تفکیک است.

با این همه، بر اساس قرائن و ارتکازات از آیه حرمت مطلق ظاهر شدن در محیط اجتماع استنباط نمی‌شود چراکه اولاً در قرون اولیه اسلام، فقها گرچه درباره خارج شدن زنان با اذن یا بدون اذن ولی سخن گفته‌اند اما هرگز سکون و استقرار در خانه را مطرح ننموده‌اند ضمن این که آنان نیز روایات منع خروج زنان را مدنظر داشته‌اند. ثانیاً منع از مطلق خروج زنان از خانه و ظاهر نشدن در اجتماع، مخالف با سیره مسلمین است. ثالثاً قیود و شرایطی که در این آیه و سایر ادله برای رفتار و گفتار زنان بیان شده در صورتی معقول است که آنان در اجتماع حضور یابند در غیر این صورت بیان آن قیود خالی از وجه بود.

بنابراین مطابق آیه اصل حضور زن در اجتماع منعی ندارد اما نوع عملکرد وی همراه با رعایت ضوابطی است که شرع تعیین کرده تا از اخلاق و ارزش‌های فرد و اجتماعی صیانت نماید.

۳. آیه جلابیب: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ

جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (احزاب، آیه ۵۹)

علتی که در این آیه مبنی بر پوشش مناسب و رعایت حجاب از سوی زنان بیان شده آن است تا ایشان مورد اذیت قرار نگیرند (زمخسری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۹۸) این علت در فرض اختلاط زن و مرد در عرصه اجتماع جاری است از این رو اقتضای ظاهر آیه با لزوم تفکیک تناسب دارد. به عبارتی دیگر از «امر به رعایت حجاب به منظور آزار ندیدن و عدم تعرض به زن از سوی افراد نااهل» می‌توان به طریق اولی، دست‌کم



رجحان مؤکد تفکیک زن و مرد در محیط‌های کاری و مراکز آموزشی را استنباط نمود چراکه در آن مکان‌ها احتمال و زمینه آزار و اذیت زنان بیشتر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۳۹) طبیعی است که رعایت حجاب و حدود و ضوابط شرعی در تعامل با نامحرم از سوی زن، زمینه امنیت خویش را در اجتماع فراهم می‌سازد.

جمع‌بندی

از مجموع این آیات، لزوم و وجوب شرعی تفکیک میان زن و مرد در محیط‌های اجتماعی مانند محیط کاری و آموزشی استفاده نمی‌شود. بلکه هرگاه زن با حفظ حدود شرعی در این محیط‌ها از آزار و اذیت جنس مخالف مصون و از وقوع در حرام ایمن باشد، دلیلی بر حرمت اختلاط و به تبع آن لزوم تفکیک وجود ندارد. این حکم اجماعی بین علماء فریقین است که هرگاه امکان ورود شخص دیگر در محل خلوت زن و مرد وجود داشته باشد یا در صورت ایمن بودن زن از فساد، اختلاط جایز است (حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۳) و اختلاط زن و مرد به طور مطلق، حرام نیست.

ب. ادله روایی

به تعدادی از روایات بر تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی نیز استناد شده است که در ادامه بررسی می‌شوند:

۱. روایت اول، به ماندن زن در خانه و جلوگیری از بیرون رفتن او دلالت دارد: «فِي الْعَلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنَ الرَّجُلِ وَإِنَّمَا هَمَّتْهَا فِي الرَّجَالِ فَاحْبُسُوا نِسَاءَكُمْ.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۶۶)

این روایت را جناب حرعاملی از شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع نقل می‌کند. در سند روایت، علی بن حسین بن بابویه، سعد بن عبدالله قمی، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، محمد بن یحیی خزاز و غیاث بن ابراهیم تمیمی همگی (نجاشی، ۱۴۱۰ ص ۲۶۲، ۱۷۸، ۳۳۴، ۳۰۵، ۳۵۹) از ثقات امامی هستند بنابراین روایت



فوق صحیحه است.

در این روایت مراد از حبس زنان در خانه، مستور نگه داشتن زن به منظور جلوگیری از رفت و آمد زن در اجتماع و عدم اختلاط آنان با نامحرمان ذکر شده است؛ بنابراین از ظاهر روایت، لزوم تفکیک زن و مرد نامحرم به عنوان قاعده‌ای عام برداشت می‌شود که شمول آن مراکز آموزشی را نیز شامل می‌شود.

اما دلالت روایت بر لزوم تفکیک، محل اشکال است؛ زیرا میان گزاره «إِنَّمَا هَمَّتْهَا فِي الرَّجَالِ» - قصد و اشتیاق زنان متوجه مردان است - و گزاره «فَأَحْبَسُوا نِسَاءَكُمْ» به عنوان نتیجه، ملازمه روشنی وجود ندارد. مطابق گزاره اول، زنان چون به مردان میل دارند مورد وثوق نیستند و اگر از خانه خارج شوند ایمنی از جانب زنان وجود ندارد یعنی زنان برای رسیدن به مردان از راه فریب و شگردهای زنانه وارد می‌شوند از این رو باید زنان در خانه صیانت شوند؛ اما به طور معمول، تعرض از سوی مردان نسبت به زنان صورت می‌گیرد نه برعکس! از این رو برخی، شائبه جعل روایت و مخالفت با واقع را درباره آن مطرح نموده‌اند. (شمس‌الدین، ۱۹۹۶، ص ۸۶) ضمن اینکه حبس زنان در خانه در میان عرب رایج نبوده و در زمان حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز زنان در خانه محبوس نمی‌شدند.

از سوی دیگر تعاملات اجتماعی، حضور زنان در برخی عرصه‌های علمی و آموزشی را ضروری می‌نماید؛ از این رو حبس زن با منطق اسلام و نیازهای روز جامعه در تضاد است؛ بنابراین از حکم حبس زن در خانه لزوم تفکیک جنسیتی برداشت نمی‌شود. بر اساس دیدگاه فقها و محدثین نیز وجوب حبس زن در خانه به طور مطلق، از روایات فهمیده نمی‌شود بلکه وجوب و الزام، همراه با دو قید «خوف از فتنه» (کلینی، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ص ۲۲۷) و «ضرورت» است. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۷۳) در غیر این دو مورد، از جمله «تعلیم احکام اولیه، مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام معالجه و صلح‌رحم» حبس و صیانت، طبق نظر برخی از فقها مستحب بوده (تبریزی، ۱۴۳۳، ج ۸، ص ۲۲۰) و بنا بر برخی فتاوا، از اساس، صیانت و حبس زن، حکم مولوی شرعی نیست، نه وجوباً نه استحباباً؛ بلکه حکم ارشادی است؛ ارشاد



به راهکاری برای حفظ زن از این که عفت و فطرت وی مورد مخاطره واقع نشود. (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۲).

۲. روایت دوم، به توییح مردان می پردازد چرا که زمینه اختلاط زنان با مردان را به وجود می آورند زیرا اجازه می دهند زنان از خانه بیرون روند:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَّا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَعَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَ يُرَاحِمَنَّ الْعُلُوجَ.» (کلینی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۵۳۷)

در سند این روایت، محمد بن یحیی عطار، احمد بن محمد بن محمد بن عیسی اشعری، محمد بن یحیی خزاز و غیاث بن ابراهیم همگی از ثقات امامیه هستند (نجاشی، ۱۴۱۰، ص ۱۴۴، ۸۳، ۳۵۳ و ۳۵۹ - ۳۰۵) بنابراین روایت، صحیح است.

مطابق این روایت بیرون رفتن زن از خانه، مورد نکوهش قرار گرفته چراکه زمینه اختلاط و فتنه با نامحرم را فراهم می کند. گفتنی است مطابق ظاهر روایت مراد از مزاحمت، مطلق اختلاط نیست بلکه نوعی برخورد فیزیکی و به اصطلاح هل دادن و تته به تته زدن مراد است که در اثر کثرت جمعیت و ازدحام رخ می دهد. از این رو روایت به مرجوحیت مطلق اختلاط نظری ندارد و به همین جهت نمی توان لزوم تفکیک به نحو مطلق را از آن استفاده نمود.

۳. روایت سوم، به منظور منع مراوده و تعامل میان زن و مرد نامحرم، از سلام دادن به زن نهی و به مستور نگه داشتن آنان در خانه امر می کند:

«عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَبْدَأُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ النَّسَاءُ عِيٌّ وَ عَوْرَةٌ فَاسْتُرُوا عِيَّهُنَّ بِالسُّكُوتِ وَ اسْتُرُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبُيُوتِ.» (کلینی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۵۳۵)

این روایت نیز تمام روات آن موثق بودن و روایت معتبر است لکن در سند این روایت مسعدة بن صدقه قرار دارد که عامی ثقه است از این روایت، موثقه است.



ظاهر این روایت، از سلام کردن به زنان نهی می‌کند. نهی از سلام به زن نامحرم از آن جهت است تا مبدا موجب ارتباط و تعامل با او شود؛ بنابراین از این حکم، لزوم رعایت احتیاط در روابط و مرزبندی در مرادوات کلامی با نامحرم برداشت می‌شود؛ اما در نقد روایت باید گفت ممکن است روایت از سلام کردن به زنان و شروع سخن با سلام به آنان منع کند نه از اصل یک گفتگوی ساده و متعارف که در زندگی اجتماعی گریزی از آن نیست.

به بیانی دیگر روایت چنین بیان می‌کند در مقام گفتگو با زنان نامحرم، سر صحبت را با سلام کردن به آنان باز نکنید بلکه مستقیماً اصل مطلب را بگویید. شاید ابتدای کلام با سلام، نوعی صمیمیت و رابطه عاطفی را ایجاد کند و به کشش و جذب جنس مخالف منجر گردد و حریم محرم و نامحرم درنور دیده شود!

با این همه باید گفت هرچند نهی ظهور در حرمت دارد، اما عمل اهل بیت علیهم السلام مبنی بر سلام کردن به زنان (غیر از زنان جوان) قرینه است بر اینکه نهی در روایات، تحریمی نیست، بلکه تنزیهی و برای پیش‌گیری از وقوع افراد در تلذذ و ریبه و کشیده شدن به وادی معصیت است؛ از این روایت حرمت سلام کردن به مطلق زنان استفاده نمی‌شود. به‌طور کلی سلام کردن به زنان و تکلم با آنان، اگر قصد ریبه باشد، حرام است؛ اگر قصد ریبه نباشد، در زنانی که تأثیرگذارند (زنان جوان) کراهت دارد و در غیر آن کراهت هم ندارد. (اعراف، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ص ۲۲۱)

همچنین در این روایت، خانه ماندن زنان به خاطر حفظ عورات بررسی می‌شود. «عی» در لغت به معنای «عاجز» آمده است. (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۰۰) در تفسیر این حدیث، «عی» به معنای عجز از گفتار و سکوت آمده است. در مراد از سکوت دو احتمال متصور است: الف. سکوت زنان؛ یعنی برای زنان، تکلم به آنچه شایسته است در بیشتر موارد، ممکن نیست. ب. سکوت مردان یعنی با زنان تکلم نکنند تا آنان مجبور به پاسخ نباشند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۰، ص ۳۷۳) به نظر می‌رسد احتمال دوم ذکر شده از قوت بیشتری برخوردار باشد؛ زیرا مخاطب روایت، مردان هستند و این معنا با عدم سلام دادن مردان هم مطابقت دارد. در این صورت معنای روایت



چنین می‌شود «با سلام ندادن و سکوتتان به عجز زنان کمک کنید».

برخی با تمسک به صحیحه ربعی (کلینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۴۸) - که در آن آمده حضرت علی علیه السلام به زنان سلام می‌داد اما نسبت به سلام دادن به زنان جوان کراهت داشت - با عدم ریبه و تلذذ، بر جواز سلام بر زنان و در غیر این صورت، بر کراهت آن فتوا می‌دهند. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۴، ص ۵۲)

به عبارتی می‌توان گفت موثقه مسعده بر حرمت سماع و تکلم با زن اجنبی، در صورت عدم اظهار موذت و محبت، دلالت نمی‌کند و نهی از شروع به سلام دادن به زنان به خاطر عدم جواز شنیدن صوت زن نیست بلکه به خاطر منع از اظهار محبت به زنان است. اگر نهی به خاطر حرمت شنیدن صوت زن بود، اولی تعلق نهی به جواب سلام از سوی زن و توجیه خطاب به او می‌بود. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۲، ص ۸۰)

البته ممکن است این بیان چنین مورد مناقشه قرار گیرد که ممکن است جواب سلام دادن از سوی زن، واجب و درعین حال سلام کردن به وی توسط مرد حرام باشد. به بیان دیگر، هنگامی که به زن سلام شود، وی ضرورتاً باید جواب دهد و شارع برای آنکه مقدمات این ضرورت پیش نیاید، ممکن است به مردان دستور داده باشد که اصلاً سلام نکنند. بنابراین، در مقام اشکال نسبت به دلالت روایت بر حرمت استماع صوت زن، باید گفت که اگر استماع حرمت داشت، شارع می‌باید مستقیماً به زن‌ها فرمان دهد که به مردان سلام نکنند یعنی به این استناد که صدای آنان عورت است، آنان را از سلام کردن نهی کند، درحالی که چنین نهی وجود ندارد بلکه نهی متوجه مردان شده است. (شیری، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۹۰۱)

همچنین با این که امر «استروا عوراتهنّ بالبیوت» در روایت، ظهور در وجوب ماندن زنان در خانه دارد، اما با توجه به تعارض این امر با سیره اهل بیت علیهم السلام نمی‌توان حکم وجوب در خانه ماندن زنان را از آن برداشت کرد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۹۸)

در تطبیق روایت بر موضوع مورد تحقیق نیز باید گفت مراد از زنان با مردان در غیر موارد ضروری، کراهت دارد و در صورت ایجاد ریبه و منجر شدن به گناه، حرام



است. از این رو، در صورت اگر اختلاط جنسیتی، مقدمه تولیدی حرام باشد، محکوم به حرمت است و در مقابل تفکیک، لزوم پیدا می‌کند.

۴. روایتی که از کثرت مرادوات کلامی با زن نامحرم و گفتگوی غیر ضرور منع

می‌کند:

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيلِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرْبَعُ يُمْنَنَ الْقَلْبِ ... وَ كَثْرَةُ مُنَاقَشَةِ النِّسَاءِ يَغْنِي مُحَادَثَتَهُنَّ» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۲۸)

بررسی سندی روایت فوق باید گفت تمام راویان این حدیث، موثق هستند، لکن به دلیل عامی بودن مسعده، روایت به لحاظ اصطلاح حدیثی، موثقه به شمار می‌آید. مناقشه در لغت به معنای حساب‌رسی دقیق و بدون کم‌وزیاد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۴۲) هم‌چنین به معنای مجادله (موسی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۰۵) و گفت‌وگوی جدلی آمده است. طبق معنای دوم، روایت مجادله و جروبحث میان زن و مرد نامحرم و نه اصل گفتگوی متعارف را منع می‌کند. این منع به معنای حرمت نیست بلکه نهایتاً بر کراهت دارد زیرا تعبیر «يُمْنَنَ الْقَلْبِ» به کراهت دلالت دارد و از آن حرمت استفاده نمی‌شود. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۹۷)

محدادته هم به معنای گفتگو و سخن گفتن است اما روایت از کثرت گفتگو منع کرده نه اصل آن از این روی، از روایت مرجوحیت و کراهت اصل گفتگوی میان زن و مرد نامحرم فهم نمی‌شود. در مراکز آموزشی نیز به‌طور طبیعی زمینه هم‌صحبتی زیاد دختر و پسر نامحرم، فراهم است هرچند که ممکن است به گناه منجر نشود یا هیچ قصد لذتی هم در کار نباشد اما بدون تأثیر هم نخواهد بود. حتی اگر بدون تأثیر هم باشد، شاید بتوان گفت حکم کراهت، با پیش‌گیری از وقوع گناه و نوعی اقدام تمهیدی برای جلوگیری از آن بی‌ارتباط نیست. از این رو تفکیک جنسیتی در محیط آموزشی دست‌کم مطابق با احتیاط عقلی و شرعی است و رجحان و استحباب دارد.



۵. برخی از روایات از جمله روایت ذیل به طور صریح از سلام دادن به زن، نهی

می کند:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا تُسَلِّمُ عَلَى الْمَرْأَةِ.» (کلینی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۵۳۵)

محمد بن یحیی عطار، احمد بن محمد بن محمد بن عیسی اشعری، محمد بن یحیی خزاز و غیاث بن ابراهیم تمیمی همگی از ثقات امامیه هستند. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۰۵، ۳۵۹، ۸۳، ۳۵۳) بنابراین روایت فوق به لحاظ سندی معتبر است. دلالت این روایت بر ممنوعیت سلام کردن به زنان، نیز دلالت روشنی است.

۶. در برخی دیگر از روایات آمده که منع از سلام از سوی علی علیه السلام

مربوط به زنان جوان می شد نه مطلق زنان:

«عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَ يَزِدُّنَ عَلَيْهِ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَى الشَّابَّةِ مِنْهُنَّ وَ يَقُولُ أَتَخَوَّفُ أَنْ يُعْجِبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرَ مِمَّا طَلَبْتُ مِنَ الْأَجْرِ.» (کلینی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۵۳۴)

بررسی سندی این روایت بایدگفت تمامی روات این حدیث موثق بوده و این

روایت به لحاظ موازین رجالی معتبر است.

در این دو روایت سلام دادن به زنان نهی شده است. نهی از سلام در فرض حضور

زن و مرد در اجتماع مطرح می شود اما این حضور وقتی خالی از مراد کلامی است

به طریق اولی سایر انحاء اختلاط ممنوع خواهد بود.

جمع بندی

مطابق روایات، آنچه سبب موت قلب می شود نه اصل گفتگوی متعارف میان

زن و مرد بلکه کثرت آن است که منع شده است؛ بنابراین از روایت حرمت مطلق

محاورات کلامی میان زن و مرد نامحرم استنباط نمی شود. از روایات منع سلام



نیز حرمت استفاده نمی‌شود زیرا در تعارض با سیره معصومین علیهم السلام است (کلینی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۵۱) و این خود قرینه است بر اینکه نهی از سلام، تحریمی نیست. از طرفی در برخی از روایات از تقدم و پیش‌دستی در سلام کردن منع شده همچنان که برخی دیگر بر مرجوحیت سلام کردن به زنان جوان دلالت دارد بنابراین از روایات ممنوعیت سلام کردن عادی آن‌هم به مطلق زنان برداشت نمی‌شود.

اسلام هرگز اختلاط مردان و زنان جز در موارد ضرورت را نپذیرفته است باین حال اگر محیط اجتماعی به گونه‌ای باشد که با حفظ حدود شرعی از سوی زن در حین تحصیل یا اشتغال از آزار و اذیت نامحرم و نیز وقوع در حرام، مصون باشد، دلیلی بر حرمت اختلاط و به تبع لزوم تفکیک وجود ندارد. کما اینکه به فتوای برخی از مراجع هرگاه امکان ورود شخص دیگر در محیط کار یا تحصیل زن و مرد وجود داشته باشد یا در صورت ایمن بودن زن از فساد، اختلاط جایز است؛ (سیستانی، ۱۴۲۲، ص ۴۰۶) پس اختلاط زن و مرد به طور مطلق، حرام نیست و این امر نمی‌تواند لزوم تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی را اثبات کند.

سیاق روایات ظاهر در نهی از مرادوات کلامی، به گونه‌ای است که نهایتاً بر کراهت چنین مرادوات کلامی و زبانی دلالت دارند. از این رو حکم به رجحان تفکیک، خالی از وجه نیست البته هرگاه اطمینان حاصل شود که مرادوات کلامی دو متربی ناهم‌جنس، زمینه را برای وقوع گناه در آینده فراهم می‌کند، اقدام برای تفکیک رجحان عقلی پیدا می‌کند.

جمع‌بندی ادله موافقان

از آیاتی که مورد استناد قرار گرفت، لزوم تفکیک میان زن و مرد در مراکز آموزشی استفاده نمی‌شود. بلکه هرگاه زن با حفظ حدود شرعی در محیط آموزشی از آزار و اذیت جنس مخالف، مصون و از وقوع در حرام ایمن باشد، دلیلی بر حرمت اختلاط و به تبع آن لزوم تفکیک وجود ندارد. مطابق ادله روایی نیز اختلاط زن و مرد به طور مطلق، حرام نیست و این امر نمی‌تواند لزوم تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی را اثبات کند؛ اما در مورد مرادوات کلامی و ارتباطات زبانی، سیاق روایات به گونه‌ای



است که نهایتاً بر کراهت آن دلالت دارند؛ از این رو حکم نهایی فرع دوم، رجحان تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی است.

ادله مخالفان تفکیک جنسیتی

مخالفان تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی با نگاه برون دینی، توجیهاتی اجتماعی و اقتصادی را برای مخالفت خود اظهار می‌دارند که در ذیل به برخی اشاره می‌شود:

۱. تفکیک جنسیتی، موجب عدم شناخت افراد از جنس مخالف می‌شود به ویژه در ایران که افراد تا قبل ورود به دانشگاه، هیچ‌گونه ارتباطی با جنس مخالف نداشته و در محیط دانشگاه ارتباط با جنس مخالف اتفاق می‌افتد. این ارتباط زمینه لازم برای شناخت طرف مقابل را فراهم می‌نماید و در نتیجه اگر ازدواجی صورت گیرد، آگاهانه خواهد بود و موجب دوام زندگی مشترک می‌شود. (اصغری، ۱۳۹۳، ص ۶)

در نقد این دلیل باید گفت موفقیت و پایداری زندگی مشترک را به دانشگاه، ارتباط با جنس مخالف و نهایتاً ازدواج منحصر کرده در حالی که نقیض موارد فوق صادق است به عنوان نمونه چه بسیار ازدواج موفق که هیچ ربطی به دانشگاه رفتن و طی کردن مسیر ارتباط با جنس مخالف در محیط دانشگاه ندارد. به عبارتی دیگر اینکه ارتباط با جنس مخالف به منظور آشنایی با طرف مقابل، ملاک موفقیت ازدواج قرار گیرد و از آن به عنوان ابزاری جهت هر نوع تعامل با جنس مخالف، قلمداد شود با مبانی دینی و اخلاقی سازگار نیست.

۲. تساوی زن و مرد از حق آموزش برابر و عدالت آموزشی از دیگر ادله مخالفان تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی است. (قانع‌ی‌راد، ۱۳۹۵، ص ۵۵) در برخورداری از حقوق و امکانات آموزشی، زنان و مردان مساوی و برابر هستند و تفکیک جنسیتی و ارائه برنامه و محتوای آموزشی متفاوت، مانع تحقق این حق است. (رحیمی، ۱۴۰۰، ص ۲۶۰)

در نقد این استدلال باید گفت بدون شک هر یک از زن و مرد دارای حقوق غیرقابل انکار هستند اما بر اساس اصل رعایت تفاوت‌های فردی باید اذعان نمود



به لحاظ «ظاهر و فیزیک بدنی، استعدادها، ویژگی‌های اخلاقی، هوشی و روانی» زن و مرد با یکدیگر تفاوت دارند از این رو مساوی دانستن کم و کیف حقوق زن و مرد و تدوین برنامه آموزشی یکسان، به نوعی انکار تفاوت‌های تکوینی انسان‌ها است. از این رو در چند دهه قبل و در برخی از کشورها بازگشت به مدارس تک جنسیتی آغاز شده است. پس از ایجاد اتحادیه ملی مدارس دخترانه آمریکا در سال ۱۹۹۱، بیش از ۳۵ مدرسه تک جنسیتی جدید تأسیس و ثبت‌نام در این مدارس ۲۳ درصد افزایش پیدا کرده است.

پژوهش‌های روزافزون درباره مغز انسان نشان می‌دهد که تفاوت‌های محسوسی بین روشی که مغز مردان و زنان به پردازش اطلاعات می‌پردازد، وجود دارد و شواهدی علمی در تأیید آموزش تک جنسیتی ارائه می‌نماید. در کتاب «صدایی متفاوت: نظریه روان‌شناختی و تکامل زنان» آمده است دختران در اندیشیدن، تعامل، رهبری کردن و تصمیم‌گیری از نظر روان‌شناختی، شیوه‌ای ویژه خود دارند از این رو الگوی آموزشی مرد محور به آسانی با شیوه‌ای که دختران می‌آموزند، تطبیق پیدا نمی‌کند. کورنلیوس ریوردان نویسنده کتاب «دختران و پسران در مدرسه: با هم یا جدا از یکدیگر» اظهار می‌دارد: من با هدایت تحقیقاتی روی مدارس تک جنسیتی و مختلط در دو دهه گذشته، به این نتیجه رسیده‌ام که مدارس تک جنسیتی کمک می‌کنند که دستاوردهای دانش‌آموز بهبود یابد. از سویی دیگر اغلب والدین دختران احساس می‌کنند که مدرسه دخترانه مکانی ایدئال برای تمرکز دخترانشان بر درس و پرورش ذهنشان - فارغ از حواس‌پرتی ناشی از عشق‌های خام و دیگر مشکلات دوران نوجوانی - است. زمانی که دبیرستان دخترانه غیردولتی اکسپریمنتال پکن در سال ۲۰۰۰ شروع به کار کرد، با استقبال گرم دختران نوجوان و والدین آن‌ها روبه‌رو شد. به گونه‌ای که والدین حاضر شدند هفت برابر مدارس عمومی هزینه این نوع مدارس را تأمین کنند. (مصباحی، ۱۳۸۵، ش ۲۲)

۳. توجیه اقتصادی، شاید مهم‌ترین دلیل مخالفان تفکیک جنسیتی، مباحث مالی و اقتصادی باشد. به‌طور طبیعی آموزش مختلط، بسیاری از هزینه‌های آموزشی



(محیط فیزیکی آموزش، امکانات آموزشی، نیروی انسانی) را کاهش داده و صرفه اقتصادی دارد. در نقد این دلیل باید گفت به طور طبیعی تفکیک جنسیتی مراکز آموزشی هزینه بر است اما در هر اقدامی باید اولویت‌ها را سنجید. با توجه به آثار مثبت تفکیک جنسیتی پرداخت هزینه برای آن، اولویت پیدا می‌کند و صرف هزینه بر بودن مانع از دست برداشتن آن نمی‌شود. به علاوه تفکیک جنسیتی خود عامل مبارزه با بسیاری از ناهنجاری‌ها و مفاسد اخلاقی و ارزش است که صرف هزینه برای آن توجیه عقلی نیز پیدا می‌کند.

جمع بندی

ارتباط با جنس مخالف در محیط آموزشی، به منظور آشنایی بیشتر طرفین با یکدیگر، ملاک موفقیت ازدواج نیست بلکه زمینه تعاملات خارج از عرف را پدید می‌آورد که مبانی دینی و اخلاقی سازگار نیست. هم‌چنین تمسک به تساوی حق آموزش زن و مرد و عدالت آموزشی، جهت مخالفت با تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی، مخدوش و نوعی انکار تفاوت‌های تکوینی انسان‌ها است. رشد مدارس تک جنسیتی در غرب و بهبود عملکرد آموزشی دانش آموزان، بهترین شاهد بر رد دیدگاه مخالفان تفکیک جنسیتی است. از سویی دیگر با اذعان به اینکه تفکیک جنسیتی مراکز آموزشی، هزینه بر است اما با توجه به آثار مثبت و سازنده آن در ارتقا رشد آموزشی و ایجاد امنیت روانی متربیان و خانواده‌ها و جلوگیری از منکرات، هزینه بر بودن، نمیتواند دلیل محکمی بر مخالفت با تفکیک جنسیتی مراکز آموزشی تلقی شود. با این توضیح ادله مخالفان تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی مخدوش می‌نمایند و مورد پذیرش نیست.

نتیجه گیری

بر پایه مبانی دینی، اختلاط به دو صورت مشروع و غیر مشروع قابل تصور است. در اختلاط مشروع زن و مرد نامحرم می‌توانند به حداقل گفتگوی ضروری مطابق با ضوابط معین در شرع (عدم تلذذ، ریبه و تهییج شهوت) اکتفا کنند؛ اما هرگاه



شرایط و ضوابط تعیین شده در روابط زن و مرد رعایت نشود، اختلاط نامشروع و حرام است. پس نفس اختلاط و کنار هم بودن دانشجویان در مراکز آموزشی با رعایت ضوابط دینی، حرمتی ندارد بلکه عدم رعایت شرایط و ضوابط آن، سبب ترتب مرجوحیت و حرمت بر اختلاط می‌شود. علت حرمت اختلاط، در این صورت آن است که اختلاط خود مقدمه تولیدی حرام و معاصی کبیره می‌شود؛ یعنی نوعاً اختلاط زن و مرد به ارتباطات کلامی و بصری مُحَرَّم منجر می‌شود؛ از این رو اختلاط در محیط آموزشی مرجوح و حرام است و بر پایه برخی فتاوا، اگر ترس از فساد و انحراف ناشی از اختلاط مراکز آموزشی وجود داشته باشد، فرستادن فرزندان به مراکز مختلط نیز جایز نخواهد بود. (خویی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۰۵)

اما آنچه از حرمت اختلاط بیان شد، در ادبیات دینی غالباً ناظر به ارتباط و تعامل دونفری میان زن و مرد نامحرم است و چنانچه محیط به گونه‌ای باشد که امکان رفت‌وآمد و حضور نفر ثالثی باشد؛ اختلاط و کنار هم بودن چه برای تحصیل و چه برای امور دیگر مانند اشتغال، مانعی ندارد. از این رو هرگاه امکان ورود شخص دیگر در محل خلوت زن و مرد نامحرم وجود داشته باشد، اختلاط در محیط کار یا تحصیل، با حفظ حدود شرعی، جایز است.

طبق این بیان در مراکز آموزشی، غالباً کلاس‌های درس با بیش از دو نفر تشکیل می‌شود و امکان ورود و خروج افراد در آن وجود دارد و اختلاط محرم از این جهت اتفاق نمی‌افتد. ضمن این که به‌طور معمول در کلاس درس، محل نشستن زنان از مردان جدا است و در برخی مراکز آموزشی حائلی میان آنان کشیده می‌شود و چنانچه ضوابط شرعی مقرر، از سوی دانش‌پژوهان رعایت شود؛ مجموع این عوامل حکم به جواز کلاس‌های آموزشی مختلط می‌دهد.



بهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن حزم، علی بن احمد بن سعید، المحلی، دار الجیل، بیروت، بی تا
۳. ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت، دار الصادر، ۱۹۳۰ م.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، قاهره، المكتبة الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.
۶. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی ج ۲۶ (تربیت جنسی)، تحقیق احمد امامی، قم، موسسه اشراق و عرفان، ۱۳۶۹ ش.
۷. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۸. بستان، حسین، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، ۱۳۹۶ ش.
۹. بلاذری، ابوالحسن، فتوح البلدان، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۸ ق.
۱۰. بنی‌هاشمی، سید محمد حسین، توضیح المسائل مراجع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ ق.
۱۱. بهجت فومنی، محمد تقی، استفتانات، قم، دفتر معظم له، ۱۴۲۸ ق.
۱۲. تبریزی، جواد بن علی، صراط النجاة، قم، دار الصدیقة الشهیدة، ۱۴۳۳ ق.
۱۳. جزائری، نعمت الله بن عبد الله، ریاض الأبرار، بیروت، مؤسسة التاريخ العربي، ۱۴۲۷ ق.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. حسینی خامنه‌ای، علی بن جواد، اجوبة استفتانات، قم، دفتر معظم له، ۱۴۲۸ ق.
۱۶. حسینی روحانی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام، قم، دار الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. حسینی سیستانی، سید علی، المسائل المنتخبة، قم، دفتر آیت الله سیستانی، چاپ نهم، ۱۴۲۲ ق.
۱۸. حکیمی، محمدرضا، اعیان النساء، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۹۸۳ م.
۱۹. راغب، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، لبنان، دار العلم و سوریه، الدار اشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. زمخشری، جار الله محمود بن عمر، الکشاف، مصر، چاپ مصطفی الحلبي، ۱۳۸۵ ق.
۲۱. سبزواری، سید عبدالأعلى، مهذب الأحكام، قم، مؤسسة المنار، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ ق.
۲۳. شمس‌الدین، محمدمهدی، مسائل حرجة في فقه المرأة، بیروت، المؤسسة الدولية للدراسات و النشر، ۱۹۹۶ م.
۲۴. هید اول، محمد بن مکی، ذکرى الشیعة في أحكام ربيعة، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۹ ق.
۲۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه، ۱۳۶۲ ش.
۲۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، تهران، المكتبة المرتضوية، سوم، ۱۳۸۷ ق.
۲۷. -----، رجال الشیخ الطوسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۷ ق.



۲۸. -----، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۹. -----، الفهرست، المكتبة الرضویة، نجف اشرف، بی تا.
۳۰. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۵، ۱۴۱۷ ق.
۳۱. طباطبایی بروجردی، آقا حسین، تقریر بحث السید البروجردی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۳۳. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، المبسوط، تهران، المكتبة الرضویة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ق.
۳۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، منشورات دار الرضی، بی تا.
۳۷. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد مقدس، موسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۳۹۰ ش.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۴۱. محقق ثانی، علی بن حسین، رسائل المحقق الکرکی، قم، کتابخانه آة الله رعشی، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ششم، ۱۳۸۵ ش.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، احکام بانوان، قم، انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع)، چاپ یازدهم، ۱۴۲۸ ق.
۴۴. -----، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، نشر مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۱ ق.
۴۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، صراط النجاة، قم، مرکز نشر المنتخب، ۱۴۱۶ ق.
۴۶. -----، موسوعة الإمام الخوئی، قم، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.
۴۷. میل، جان استوارت، کنیزک کردن زنان، ترجمه خسرو ریگی، تهران، انتشارات بانو، ۱۳۷۷ ش.
۴۸. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه، ۱۴۰۷ ق.
۴۹. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق.
۵۰. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت؟ عهم؟، ۱۴۰۸ ق.
۵۱. نووی، یحیی بن شرف، المجموع، دار الفکر، بیروت، ۲۰۱۰ م.
۵۲. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، موسسه اعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۵۳. وحید خراسانی، حسین، احکام مهاجران، قم، مدرسه الامام الباقر (ع) للعلوم، ۱۳۹۴ ش.
۵۴. هاشمی، سید مجتبی، مقدمه ای بر روان شناسی زن، تهران، نشر شفق، ۱۳۷۰ ش.
۵۵. انتظاری، علی، «آثار و پیامدهای تفکیک جنسی در دانشگاه علامه طباطبایی در مقایسه با دانشگاههای دیگر»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۷، شماره ۸۱، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۵۶. اصغری، الهام و دیگران، «بررسی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی تفکیک جنسیتی در



- دانشگاهها به روش گراند تئوری»، تهران، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
۵۷. رحیمی، زهرا، اعتدال، علیرضا، «فکیک جنسیت در دانشگاه فرهنگیان از نگاه دانشجو معلمان و استادان»، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، شماره ۲۳، تهران، تابستان ۱۴۰۰ ش.
۵۸. قانع‌راد، سیدمحمد امین، طباطبایی، سیده مرجان، «جنسیت و فضای عمومی دانشگاه»، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال هشتم، شماره ۱، زمستان و بهار ۱۳۹۵ ش.